خبر

انتصاب جدید در شهرداری گرگان

شهردار گرگان در حکمی سرپرست روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری گرگان را منصوب کرد.به گزارش مرکز ارتباطات و اطلاعات روابط عمومی شهرداری گرگان، با حکم دکتر عبدالرضا دادبود، آرش فولادیان سرپرست روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری مرکز استان گلستان شد. در حکم فولادیان آمده است؛نظر به تعهد، تجربه و تخصص جنابعالی به موجب این ابلاغ به عنوان سرپرست روابط عمومی و امور بین الملل منصوب می شوید.امید است با بهره گیری از نقطه نظرات متخصصین و همکاری بخش های مختلف شهرداری با به کارگیری ابزار مناسب و کارآمد و به روز در اطلاع رسانی مناسب فعالیت ها و همچنین انعکاس نظرات مردمی و نخبگان در شهرداری و ایجاد ارتباط دوسویه و فعال این دو حوزه و همچنین توسعه مناسبات بین المللی در راستای اهداف مدیریت شهری موفق باشید.لازم به ذکر است؛ پیش از این الهه مسگر مدیر رابط عمومی مرکز ارتباطات و اطلاعات روابط عمومی شهرداری گرگان بود و روز گذشته در مراسمی از زحمات چند ساله مسگر تقدیر و حکم فولادیان توسط محسن کریمی قائم مقام شهردار گرگان به وی تحویل شد.

گلستان میزبان سومین جشنواره ملی نمایشنامه نویسی و فیلمنامه نویسی آیات

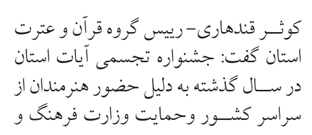

کوثر قندهاری- رییس گروه قرآن و عترت استان گفت: جشنواره تجسمی آیات استان در سال گذشته به دلیل حضور هنرمندان از سراسر کشور وحمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با استقبال فراوانی روبرو شد به همین دلیل امسال گلستان میزبان جشنواره آیات است. مهدوی گفت: این جشنواره در دی ماه سال جاری برگزار می شود و مهلت ثبت نام از ۲۵ مرداد لغایت ۲۵ آذر ماه است و در ۳ بخش فیلمنامه نویسی (فیلم کوتاه و بلند)، نمایشنامه نویسی(خیابانی و صحنه ایی) وطرح قرآنی بشارت که جز ۳۰ قرآن است، اجرا می شود. گفتنی است در جلسه ای که عصر دوشنبه با حضور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد از پوستر جشنواره آیات رونمایی شد.

خلع ید بیش از ۲۳ هکتار جنگل و مرتع در گلستان

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: امسال بیش از ۶ هکتار جنگل و ۱۷ هکتار مرتع با حکم قضات گلستانی از دست متجاوزان خارج و به بیت المال بازگشت. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل گلستان، هادی هاشمیان اظهار کرد: امسال بیش از ۶ هکتار جنگل و ۱۷ هکتار مرتع با حکم قضات گلستانی از دست متجاوزان خارج شد و به بیت المال بازگشت. به گفته هاشمیان، به منظور افزایش سرعت رسیدگی به پرونده های زیست محیطی دادگاه های تخصصی هم در حوزه های قضایی استان اختصاص داده شد که نتیجه آن افزایش آراء خلع ید از عرصه های جنگلی و مرتعی استان است. وی افزود: قانون حفظ کاربری زمین های کشاورزی و باغی هم سبب شد مدیریت امور اراضی استان محکم تر پای اجرای آن بایستد که نتیجه آن کاهش چشمگیر تغییر کاربری ها و ساخت و سازهای غیرمجاز در زمین های کشاورزی و باغی استان شد. رییس کل دادگستری گلستان بار دیگر تاکید کرد: امسال هم مانند سال های گذشته در برخورد با زمین خواری منتظر تغییر کاربری و ساخت و سازهای غیرمجاز و شکایت دستگاه های متولی نمی مانیم و با دریافت گزارش های مردمی برای متخلفان، پرونده تشکیل می دهیم.

اجرای مجدد تقاطع های غیر همسطح

در حالی که اجرای تقاطع غیرهمسطح ۶۰ متری افسران در شورای شهر گرگان به تصویب رسیده اما کارشناسان مدعی هستند که این طرح ضرورت اجرایی شدن ندارد و هزینه هنگفتی برای شهر در برخواهد داشت. به گزارش مهر، در هشتاد و هشتمین جلسه شورای اسلامی شهر گرگان،لایحه اجرای عملیات تقاطع غیرهمسطح ۶۰ متری افسران با محوریت کمربندی و با اعتبار ۲۲۶ میلیارد و ۹۷۶ میلیون و ۶۲۲ هزار ریال به تصویب رسید. در لایحه این تقاطع آمده بود که این طرح با ۴۴ درصد پلوس و همچنین ۴۰ درصد نقد و ۶۰ درصد تهاتر با املاک شهرداری اجرا می شود. این تقاطع در حالی مطرح می شود که از آغاز شروع مناقصه آن برخی به مخالفت با اجرای آن برخاسته و ضرورتی برای اجرای آن نمی بینند. به همین منظور با کارشناس ارشد عمران و برنامه ریزی حمل و نقل گفتگو کردیم؛ محمد تنظیفی گفت: براساس مطالعات طرح جامع حمل و نقل ضرورتی برای اجرای این تقاطع وجود ندارد.

رد شدن پروژه در سنوات گذشته

وی افزود: در سنوات گذشته برای جلب رضایت مردم برخی تصمیم به اجرای این پروژه گرفتند که توسط معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری وقت اجرای آن منتفی شد. تنظیفی اضافه کرد: مگر ترافیک میدان مفتح تا میدان بسیج در طول روز چه مدت طول می کشد که بخواهیم این هزینه هنگفت را برای آن منطقه انجام دهیم. ممکن است این مشکل در یک یا نیم ساعت روی دهد بنابراین اجرای آن ضرورتی ندارد. وی تصریح کرد: چرا باید این تقاطع جزو ضروریات باشد؟ از این مسیر کمربندی عبور می کند چرا باید دوباره چنین مسیری را ایجاد کنیم؟

انگیزه مالی جلب توجه می کند

تنظیفی بیان کرد: در برخی از پروژه‌ها به جای این که اصول منطقی و کارشناسی مطرح باشد بیشتر انگیزه مالی جلب توجه می کند. وی گفت: رقم پیشنهادی هم آن چنان شفاف نیست. پروژه های دخانیات و گلشهر هم قراردادی با روند مشخص داشت اما چرا با عدم شفافیت مالی مواجه شده است. تنظیفی اظهار کرد: به نظر می رسد با انجام این پروژه برخی به دنبال جلب رضایت مردم هستند و می خواهند به سمت خواسته های خود بروند. وی اضافه کرد: این طرح از دوره‌های قبلی به جای مانده و مشاوران قبلی ماهیت خود را در تقاطع گلشهر و زیرگذر دخانیات نشان داده اند، بنابراین امکان سنجی (feasibility study) پروژه باید توسط مشاور جدید بررسی تا ببینند آیا این کار ارزش انجام دارد یا خیر؟ تنظیفی تأکید کرد: در پروژه ها همواره کارکرد آن بسیار مهم است و اول باید ضرورت اجرا مشخص شده و سپس به دنبال مسائل مالی آن برویم. وی توضیح داد: اعتبار اعلام شده برای تکمیل کمربندی جدید گرگان ۱۲۰ میلیارد تومان اعلام شده و اکنون با اجرای این پروژه حدود ۴۰ میلیارد تومان هزینه روی دست شهرداری باقی می ماند که با آن می توان بخشی از هزینه های کمربندی را مرتفع کرد. تنظیفی گفت: همه افراد که نمی خواهند از گرگان خارج شوند، بعضی‌ها می‌خواهند به سمت بلوار صیاد حرکت کرده در نتیجه همان حجم ترافیک اتفاق می‌افتد و بخشی هم به سمت پمپ بنزین مراجعه می کنند ضمن این که هنوز آن ۶۰ متری شکل نگرفته و کاربران مسیر برای نیازهای خود (سوپرمارکت، تعمیرگاه خودرو و غیره) به قسمت بالاتر مراجعه می‌کنند و عملاً ترافیک تکرار می شود. وی با بیان این که این پول از جیب مردم هزینه‌می‌شود، تصریح کرد: سطح سرویس منطقه‌وضعیت مطلوب دارد و اجرای آن در طرح نیامده است.

ساخت تقاطع در ۲ حالت

تنظیفی اظهار کرد: برای تقاطع غیرهمسطح دو حالت وجود دارد یا نظر کارفرماست یا شبکه از لحاظ وضعیت خصوصی افرادی که دارای خودرو بوده و می خواهند در محدوده شهری تردد کنند به ساخت تقاطع نیاز دارد. وی افزود: اگر شبکه دارای مشکل بوده و نتوان با محدودیت ترافیکی، چراغ گذاشتن و تغییر جهت معابر مشکل آن را حل کرد و یا اگر مطالبه کارفرما (شورای شهر و شهرداری) باشد، اجرای تقاطع صورت می گیرد.تنظیفی با بیان این که با توجه به خروجی های شبکه تاکنون مشکلی در منطقه وجود نداشته، ادامه داد: با اجرای این پروژه چه کاربری و اتفاق خاصی قرار است انجام شود؟ رستوران‌ها و رفت و آمد آنجا را چطور می توان کنترل کرد؟وی تأکید کرد: گزارش طرح باید مطالعه تا مشخص شود که مشاور چه چیزهایی را در آن بیان کرده است.تنظیفی گفت: با توجه به مشکلات مالی که در شهر وجود دارد چرا باید برای پروژه این مقدار هزینه کرد؟وی با اشاره به این که سطح فعلی منطقه با احداث پروژه تغییری نمی کند، اضافه کرد: تا زمانی که کمربندی ایجاد نشود وضعیت به همین ترتیب است و گاهی حرکت کُند می‌شود و اگر قرار باشد در هر مسیری که حرکت کُند شد زیرگذر یا روگذر ساخت، شهر را باید دو طبقه کرد.

بازکردن گره ترافیکی کمربندی

در خصوص جزئیات پروژه و مطالعات انجام شده آن با شهردار گرگان گفتگو کردیم، عبدالرضا دادبود گفت: این پروژه، ترافیکی که از سمت میدان بسیج و میدان مفتح ایجاد می شود را مدیریت می‌کنند. یعنی ترافیک را به ۶۰ متری افسران و سپس به میدان بسیج انتقال می دهد. وی افزود: در سال‌های گذشته بخش هایی از ۶۰ متری افسران بازگشایی شده ولی قسمت هایی از آن بعد از گذشت ۲۰ سال هم چنان بلاتکلیف باقی مانده است بنابراین با توجه به افزایش ترافیک کمربندی ضرورت بازگشایی مسیر احساس شد. دادبود گفت: این پروژه در طرح جامع ترافیک شهری گرگان هم به عنوان یکی از اولویت ها شناخته شده بود.

اینچه برون در انتظار زیرساخت ها

مدیر منطقه آزاد اینچه برون گفت: تمرکز بر ایجاد و تکمیل زیرساخت ها اولویت راه اندازی منطقه آزاد اینچه برون استان است که با هدف جذب حداکثری سرمایه گذاری و تسریع در امور توسعه ای انجام می شود. رضا مروتی در گفتگو با ایرنا با اشاره به تصویب جزییات ایجاد هشت منطقه آزاد واز جمله اینچه برون در گلستان در مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: تلاش می شود که پس از تصویب نهایی این لایحه در شورای نگهبان، در کمترین زمان سازمان مناطق آزاد در استان مستقر شود. وی افزود: اجرایی شدن و پیگیری طرح های اقتصادی در گلستان ایجاد منطقه آزاد اینچه برون را ضروری کرده است. مروتی با اشاره به ارتباط گلستان از طریق مرز اینچه برون با کشورهای آسیای میانه و خط ریلی بین المللی ایران- ترکمنستان - قزاقستان و ادامه آن تا چین، عنوان کرد: تصویب منطقه آزاد و تشکیل راس سوم مثلث اقتصادی شامل منطقه آزاد در کنار کریدور ریلی و بندرخشک، اهمیت این حوزه را افزایش داده است. وی گفت: ایران به دنبال بازارهای هدف جدید به ویژه از طریق مرز اینچه برون است و شرایط در این منطقه به گونه ای بوده که کمتر کسی به دنبال کسب درآمد از طریق قاچاق کالا است. مدیر منطقه آزاد اینچه برون اضافه کرد: راه اندازی این منطقه به توسعه اقتصادی کشور، گلستان و رضایت مندی مردم استان کمک می کند.وی به همدلی و همفکری نمایندگان مجلس و مسوولین ارشد استان در دولت های یازدهم و دوازدهم برای تصویب این لایحه اشاره کرد و گفت: این مساله باعث شد تا تعهدات دولت نسبت به این استان به نتیجه برسد و توسعه گلستان مستمر باشد.

خبر

هیچ ارگانی مسئولیت زباله های هزارپیچ را قبول نمی کرد

استاندار گلستان گفت: در ابتدای حضور در گلستان با معضل بزرگ دفن زباله و نخاله ها و فاضلاب در منطقه هزارپیچ گرگان مواجه شدم اما هیچ ارگان و شخصی پاسخگوی این اقدام نبود. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استانداری گلستان، سید مناف هاشمی در مراسم اجرای طرح تفکیک پسماند از مبدا استان، اظهار کرد: در شرایطی که کشور ما با مشکل انتقال زباله از شهری به شهر دیگر مواجه است، کشورهای پیشرفته دنیا به دلیل بهره مندی زیاد از مزایای طرح تفکیک و تولید انرژی و محصولات متنوع، از زباله های بیشتر استقبال می کنند. وی از غیبت محیط زیست و سازمان های مردم نهاد در مراسم اجرای طرح تفکیک پسماند از مبدا انتقاد کرد و گفت: حل مشکل زباله بدون کمک و حضور این گروه ها دشوار بوده و انتظار می رفت آن ها به واسطه مسئولیت و اهداف ذاتی خود، پیشتاز اجرای این طرح باشند. استاندار گلستان بر فرهنگ سازی تفکیک زباله از مبدا (محل تولید) اشاره کرد و افزود: این طرح، اقدام عمرانی و دارای چشم انداز ظاهری نیست و بر همین اساس ممکن است از آن استقبال نشود. هاشمی ادامه داد: در ابتدای حضور در گلستان با معضل بزرگ دفن زباله و نخاله ها و فاضلاب در منطقه زیبا و جنگلی هزارپیچ گرگان مواجه شدم اما هیچ ارگان و شخصی پاسخگوی این اقدام نبود و مسئولیت آن را بر عهده نمی گرفت. وی گفت: این محل در اقدامی ضربتی و کوتاه مدت از وجود زباله ها پاک و در آستانه تبدیل شدن به پارکی زیبا و جنگلی برای مردم است که امیدواریم این اقدام به نمونه ای قابل اجرا برای همه شهرهای گلستان و دیگر استان های کشور تبدیل شود. استاندار گلستان با بیان این که چرا به خود جرات داده ایم که ۳۷ سال همه زباله و فاضلاب ها را در بهترین و بکر ترین منطقه جنگلی استان دفن کرده و نسبت به عواقب آن بی توجه باشیم، افزود: یکی از موضوعاتی که در راستای کاهش آسیب زباله های استان باید مورد توجه قرار بگیرد، کمتر شدن تولید پسماند است. هاشمی ادامه داد: تولید زباله روزانه هر گلستانی حدود ۶۰۰ گرم و کمتر از میانگین کشوری است، اما همچنان از استانداردهای جهانی بیشتر بوده و به فرهنگ سازی مستمر برای کاهش تولید و همچنین تفکیک آن از مبدا احتیاج داریم. وی افزود: هم اینک وضعیت نهرها و رودخانه های گلستان و بخشی از پارک ملی گلستان به دلیل انباشت زباله ها نامناسب و نیازمند توجه بیشتر برای پاکسازی است. استاندار گلستان حرکت استان را به سمت توسعه گردشگری با شتاب فراوان عنوان کرد و یادآور شد: این گونه مشکلات مانع جدی رسیدن به اهداف بلند و توسعه پایدار است که باید با توجه بیشتر و اجرای مستمر طرح های پاکسازی و ارائه آموزش های متعدد این آسیب ها را تا حد امکان کاهش داد.

یک متخلف صید پرندگان شکاری در گنبدکاووس دستگیر شد

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان گنبدکاووس از دستگیری یک متخلف صید پرندگان شکاری در نوار مرزی این شهرستان خبر داد. غلامرضا کریمی در گفتگو با ایرنا افزود: این صیاد متخلف که از استان بوشهر و ساکن شهرستان گناوه است، با حفر کوخه و استتار خود در آن، در محدوده روستای دوزلولوم شهرستان گنبدکاووس نسبت به صید و زنده گیری پرندگان شکاری اقدام کرده بود که توسط نیروهای یگان حفاظت محیط زیست گنبدکاووس دستگیر شد. وی با بیان اینکه از صیاد متخلف یک بهله پرنده شکاری دلیجه و دو رشته تور و طناب کشف و ضبط شده است، گفت: فرد متخلف با تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شد. رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان گنبدکاووس خاطرنشان کرد: ضرر و زیان متعلق به هر بهله پرنده شکاری دلیجه ۲۰۰ میلیون ریال و سایر پرندگان شکاری از جمله شاهین، بحری و بالابان ۶۰۰ میلیون ریال است که دادگاه می تواند نسبت به پرداخت آن در حق محیط زیست رای صادر کند و از نظر کیفری نیز تا دو سال حبس و جریمه نقدی به مبلغ ۲۰ میلیون ریال نیز در قانون برای متخلفین صید و شکار پرندگان شکاری پیش بینی شده است.

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجراییه پرونده اجرائی کلاسه ۹۵۰۰۳۸۸ اداره اجرای اسناد رسمی گرگان طبق مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به خانم حمیده نوائی راه بر فرزند عباس ش ش ۵۳۲ صادره از بجنورد به عنوان بدهکار و راهن به آدرس گرگان خ ۵ آذر آذر ۴ متن سند و به اظهار بستانکار گرگان خ ۵ آذر نبش آذر ۴ نبش ک دوم سمت راست مجتمع خزان ط همکف جنوب غربی کدپستی ۴۹۱۷۷۶۶۸۷۷ پرونده اجرائیه کلاسه فوق ابلاغ می گردد که بانک مسکن شعبه ولیعصر گرگان به استناد سند رهنی به شماره ۵۱۷۶ -۸۵/۱۱/۲۹ تنظیمی دفترخانه ۱۱۴ گرگان، جهت وصول طلب خود مبادرت به صدور اجراییه علیه شما را نموده و طلب خود را به شرح موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۱۰۵/۸۳۳/۹۶۱ ریال کل طلب تا پایان تاریخ ۹۴/۶/۵ و از این تاریخ به بعد روزانه براساس نرخ وجه التزام مندرج در ماده ۸ قرارداد داخلی رهنی فوق الذکر (۱۹ درصد) محاسبه و اخذ می گردد به مبلغ فوق افزوده می شود در ضمن اصل طلب مبلغ ۹۹/۹۱۲/۰۹۷ ریال و جریمه ۵/۹۲۱/۸۶۴ ریال خسارت دیرکرد تا روز درخواست اجراییه اعلام نموده است در مورد رهن تمامی ششدانگ یکدستگاه آپارتمان در طبقه همکف جنوب غربی پلاک ۷۹ فرعی از باقیمانده ۳۶۲۸ و ۳۶۲۹ اصلی بخش یک گرگان و چون طبق گواهی مامور ابلاغ امکان ابلاغ اجراییه به علت مورد شناسایی قرار نگرفتن میسر نگردیده و بستانکار نیز طبق نامه وارده شماره ۵۴۰۹ - ۹۷/۵/۱۳ درخواست درج آگهی در روزنامه را نموده لذا مراتب مفاد اجراییه به شرح فوق با درج یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار در اجرای مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا آگهی می گردد چنانچه پس از ابلاغ اجراییه که ده ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار محسوب می شود نسبت به تعهد خود عمل ننمایید حسب درخواست بستانکار عملیات اجرایی پیگیری می گردد و جز این آگهی؛ آگهی دیگری جهت ابلاغ اجرائیه صادر نخواهد شد و مورد رهن از طریق مزایده بفروش خواهد رسید.

معاون اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان -حسین اسمعیلی -۱۸۱۱ م الف

آگهی ابلاغ اجراییه پرونده اجرائی کلاسه ۹۵۰۰۳۸۹ اداره اجرای اسناد رسمی گرگان طبق مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا

بدینوسیله به خانم حمیده نوائی راه بر فرزند عباس ش ش ۵۳۲ صادره از بجنورد به عنوان بدهکار و راهن به آدرس گرگان خ ۵ آذر آذر ۴ پرونده اجرائیه کلاسه فوق ابلاغ می گردد که بانک مسکن شعبه ولیعصر گرگان به استناد سند رهنی به شماره ۵۱۷۷ - ۸۵/۱۱/۳۰ تنظیمی دفترخانه ۱۱۴ گرگان، جهت وصول طلب خود مبادرت به صدور اجراییه علیه شما را نموده و طلب خود را به شرح موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۹/۳۵۱/۴۰۷ ریال کل طلب تا پایان تاریخ ۹۴/۶/۵ و از این تاریخ به بعد روزانه براساس نرخ وجه التزام مندرج در ماده ۸ قرارداد داخلی رهنی فوق الذکر (۲۰ درصد) محاسبه و اخذ می گردد به مبلغ فوق افزوده می شود در ضمن اصل طلب مبلغ ۶/۶۹۱/۱۶۲ ریال و اجور عقب افتاده ۲/۶۶۰/۲۴۵ ریال خسارت دیرکرد تا روز درخواست اجراییه اعلام نموده است در مورد رهن تمامی مازاد ششدانگ یکدستگاه آپارتمان در طبقه همکف جنوب غربی پلاک ۷۹ فرعی از باقیمانده ۳۶۲۸ و ۳۶۲۹ اصلی بخش یک گرگان و چون طبق گواهی مامور ابلاغ امکان ابلاغ اجراییه به علت مورد شناسایی قرار نگرفتن میسر نگردیده و بستانکار نیز طبق نامه وارده شماره ۵۴۰۹ -۹۷/۵/۱۳ درخواست درج آگهی در روزنامه را نموده لذا مراتب مفاد اجراییه به شرح فوق با درج یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار در اجرای مقررات ماده ۱۸ آیین نامه اجرا آگهی می گردد چنانچه پس از ابلاغ اجراییه که ده ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار محسوب می شود نسبت به تعهد خود عمل ننمایید حسب درخواست بستانکار عملیات اجرایی پیگیری می گردد و جز این آگهی؛ آگهی دیگری جهت ابلاغ اجرائیه صادر نخواهد شد و مورد رهن از طریق مزایده بفروش خواهد رسید.

معاون اجرا واحد اجرای اسناد رسمی گرگان -حسین اسمعیلی -۱۸۱۲ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که درآن احداث بنا شده به مساحت(۸۴/۲۴) مترمربع دارای پلاک ۱۲۱۲۱ فرعی از ۳-اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبتی گرگان ملکی آقای نعمت رمضانی فرزند غلام در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۴ در محل وقوع ملک واقع در گرگان - کوی انقلاب - انقلاب ۲۵ کدپستی ۴۹۱۵۷۱۶۴۸۶ به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بادادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهدنمود.

علی برقی -رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان -۱۸۰۴ م الف

آگهی تغییرات شرکت سنگ شکن صخره کاوان اتحاد کمالان سهامی خاص

به شماره ثبت ۹۷۵۱ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۸۵۰۳۲ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۰۵/۰۴/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -آقای علی اکبر مقدس به شماره ملی ۲۱۲۲۳۵۹۷۶۵ به سمت رئیس هیئت مدیره -آقای حمیدرضا محمدی به شماره ملی ۲۲۶۹۷۵۵۷۵۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره - آقای علیرضا مقدس به شماره ملی ۲۲۶۰۰۱۰۳۲۶ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند وکلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء مشترک رئیس هیئت مدیره (آقای علی اکبر مقدس) و مدیرعامل (آقای علیرضا مقدس) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و سایر اوراق عادی و اداری با امضاء منفرد مدیرعامل (آقای علیرضا مقدس) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان -اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان -شناسه آگهی ۲۴۱۴۸۸

آگهی تغییرات شرکت خرم دینان تمیشه کرد کوی سهامی خاص

به شماره ثبت ۲۱۷ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۲۴۲۷۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۲۰/۰۱/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -دستور جلسه : در خصوص تفویض اختیار بند ۱۳ ماده ۴۰ اساسنامه به رئیس هیئت مدیره شرکت بحث و بررسی صورت گرفت و درنتیجه بند ۱۳ ماده ۴۰ اساسنامه به شرح ذیل به رئیس هیئت مدیره شرکت (خانم سمیه زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۱۹۰۲۱۶) تفویض اختیار گردید: « ماده ۴۰ - ۱۳- اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات مراجعه به امر دادرسی از حق پژوهش، فرجام مصالحه، تعیین وکیل، سازش ادعای جعل نسبت به سند طرف و استرداد سند تعیین داور با یا بدون اختیار صلح و به طور کلی استفاده از کلیه حقوق و اجرای کلیه تکالیف ناشیه از قانون داوری تعیین وکیل برای دادرسی و غیره با یا بدون حق و توکیل و وکیل در توکیل ولو کراراً تعیین مصدق و کارشناس اقرار خواه در ماهیت دعوی و خواه به امری که کاملاً قاطع دعوی باشد دعوی خسارت استرداد دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث اقدام به دعوای متقابل و دفاع از آن تامین مدعی به تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاههای اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت درخواست صدور برگ اجرائی و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به چه در دادگاه و چه در ادارات و دوائر ثبت اسناد. « د : به خانم سمیه زاهد (احدی از مدیران شرکت) وکالت داده می شود که ضمن مراجعه به اداره ثبت شرکتها نسبت به ثبت صورتجلسه و پرداخت حق الثبت و امضاء ذیل دفاتر ثبت اقدام نماید. امضا اعضاء هیئت مدیره : ۱-خانم سمیه زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۱۹۰۲۱۶ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲-آقای افشین زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۸۷۱۰۵۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره ۳-آقای بهروز زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۲۱۰۸۹۶ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان - مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کردکوی شناسه آگهی ۲۴۱۴۸۴

آگهی تغییرات شرکت خرم دینان تمیشه کرد کوی سهامی خاص

به شماره ثبت ۲۱۷ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۲۴۲۷۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۲۰/۰۱/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -اعضای هیات مدیره عبارتند از : -خانم سمیه زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۱۹۰۲۱۶ -آقای افشین زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۸۷۱۰۵۱ -آقای بهروز زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۲۱۰۸۹۶ برای مدت دو سال انتخاب شدند . -با رعایت ماده ۱۴۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت آقای سید عبداله حسینی به شماره ملی ۲۲۴۹۱۵۹۶۸۸ به سمت بازرس اصلی و آقای علی اکبر بسطامی به شماره ملی ۲۲۴۹۸۴۲۳۰۲ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. -روزنامه کثیرالانتشار گلشن مهر جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. -ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان - مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری کردکوی-شناسه آگهی ۲۴۱۴۸۳

آگهی تغییرات شرکت سنگ شکن صخره کاوان اتحاد کمالان سهامی خاص

به شماره ثبت ۹۷۵۱ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۸۵۰۳۲ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۰۵/۰۴/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -اعضای هیات مدیره عبارتند از : -آقای علی اکبر مقدس به شماره ملی ۲۱۲۲۳۵۹۷۶۵ -آقای حمیدرضا محمدی به شماره ملی ۲۲۶۹۷۵۵۷۵۸ -آقای علیرضا مقدس به شماره ملی ۲۲۶۰۰۱۰۳۲۶ برای مدت دو سال انتخاب شدند -با رعایت ماده ۱۴۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت آقای محمد زارع به شماره ملی ۲۲۶۰۰۳۰۳۰۰ به سمت بازرس اصلی و خانم صدیقه نادرخانی به شماره ملی ۲۲۶۹۳۰۲۰۹۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند -روزنامه کثیرالانتشار گلشن مهر جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. -ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان- اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان - شناسه آگهی ۲۴۱۴۸۲

آگهی تغییرات شرکت خرم دینان تمیشه کرد کوی سهامی خاص

به شماره ثبت ۲۱۷ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۲۴۲۷۰ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۲۰/۰۱/۱۳۹۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - خانم سمیه زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۱۹۰۲۱۶ به سمت رئیس هیئت مدیره۲-آقای افشین زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۸۷۱۰۵۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای بهروز زاهد به شماره ملی ۲۲۴۹۲۱۰۸۹۶ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند و کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء مشترک مدیرعامل (آقای بهروز زاهد) و رئیس هیئت مدیره (خانم سمیه زاهد) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و سایر اوراق عادی و اداری با امضاء منفرد رئیس هیئت مدیره (خانم سمیه زاهد) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان- مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری کردکوی -شناسه آگهی ۲۴۱۴۷۷

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن مهر
www.golshanemehr.ir

بازنشر

پیشینه تئاتر در گرگان

عطاالله صفرپور

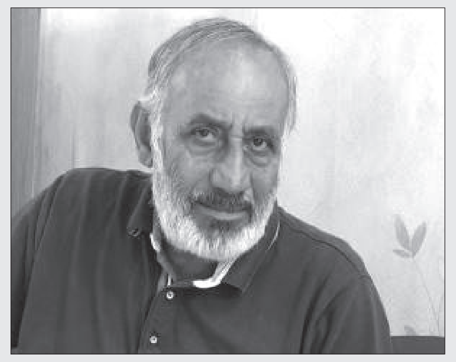

حنجره هنرمندان خاستگاه بلندترین فریادهای حق خواهی است باز هم فرصتی دست داد و افتخاری نصیب این حقیر گردید تا با شما خوانندگان ارجمند مروری به ادامه پیشینه تئاتر این شهرستان که در شماره ۴۶ (پانزده اردیبهشت) هشتاد به چاپ رسیده بود داشته باشیم و سعی من بر این است که نگاه ما بیشتر به جانب تئاترها و میان پرده های کمدی سنتی(سیاه بازی) باشد. بایستی متذکر شوم که در این شهرستان سالن نمایشی که بشود بطور مداوم و مستمر بصورت حرفه ای در آن نمایش اجرا گردد وجود نداشت و ندارد و آن مستلزم سرمایه گذاری بخش خصوصی است. همیشه سالن های نمایش جهت همایش ها، کمیسیون ها ومناسبت های مختلف در اختیار ادارات و نهادها بوده است و تنها سالنی که با همکاری بچه های بازیگر پیش آهنگ آن زمان پاک سازی و آماده نمایش شد همان گداخانه سابق واقع در میدان مازندران بود که مدت زیادی مردم توانستند با خرید بلیط، از تئاتر، میان پرده و جنگها استفاده کنند که با فروش بلیط همین تئاترهای کمدی و سیاه بازی به همت آقایان رحمت مخیری و علی شرانیان و کمک اداره فرهنگ یعنی آموزش و پرورش وقت توانستند سالن شماره ۲ پیش آهنگ کانون فعلی را جهت استفاده دانش آموزان ساخته و آماده بهره برداری کنند اصولا تئاترهای کمدی و سیاه بازی و میان پرده های طنز از همان زمان های قدیم مورد توجه و استقبال مردم بود.

تا آنجایی که من بیاد دارم و به کار هنری خودم مربوط می شود سال ۱۳۳۱ یعنی درست ۴۹ سال پیش زمانی که من کلاس اول مدرسه منوچهری واقع در میدان شهرداری، اول خیابان شهدا بودم جهت نمایش کمدی بنام سرباز عیالوار که به وسیله گروهی از هنرمندان آن زمان گیلان در سالن مهمانسرای رضاخان هتل میامی سابق اجرا شد انتخاب و به روی صحنه رفتم. من نقش فرزند خانواده ای را ایفا می کردم که پدرم سرباز بود و غیر من فرزندان دیگری داشت که فقط در خفا نام آنها را بیان می کردند کسی که نقش مادر مرا بعهده داشت دست مرا که طفلی هفت ساله بودم گرفته در مقابل تماشاگران که اکثرا نظامیان و خانواده آنها بودند به جلوی آوانسن برده شعری را زمزمه می کرد.

من یک زنم چهار تا بچه ویلون شدم توی کوچه
از برای اطاق خالی کاگل مالی گشتم آواره
الان میرم کمیسری ناصیه دو پهلوی

و کسی که نقش پدرم را بعهده داشت چنین زمزمه می کرد.

الان چند ماهه من در ارتشم
یار خبر گیره تی قربان بشم
و ادامه شعر.......

و دیگر اینکه قبلا عرض کردم گروه تئاتر یا همان سیاه بازی از سال ۱۳۱۲ الی ۱۳۱۸ در گرگان در محل میخچه گران و بازیگران آنها آقایان ابوالقاسم رضاییان که نقش اصلی و سیاه را بعهده داشت، اصغر کاوه، عباس برقی، یدا... رضاییان، حسین برقی، علی اکبر کتولی، عباس صفرپور همان عباس خان که در نبود ابوالقاسم رضاییان نقش سیاه را ایفا می نمود کربلایی قاسم و خواننده گروه شاطر نوروز بود، ضرب کمانچه را آقا شنی اجرا می کرد و همیشه اول و انتهای کار بازیگری در وسط حیاط یا روی حوض بود و شعر شد مونس گل برگ خزان آمد بهاران و جلوه گل بوی سنبل و ناله گل بانگ بلبل و اما از سال ۱۳۵۰ به امروز تئاتر این شهرستان تحول چشمگیری داشت چرا که در سال های اخیر حتی از مرزهای ایران هم فراتر رفت نمایشی به نام مختومقلی کار آقای حسن رستمانی در ترکمنستان به روی صحنه رفت و اما نمایش سیاه بازی جنچک علیشاه کار اینجانب بمدت چهار سال در شهرستان های مختلف و زمان جنگ در محورهای عملیاتی غرب و جنوب کشور، پادگانها ، سوله ها، میدان ها و حتی در فاو به روی صحنه رفت و مورد توجه قرار گرفت و برای اولین بار بود که نمایش کمدی و سیاه بازی در جبهه های حق علیه باطل به روی صحنه رفت که هزاران هزار نفر از رزمندگان از این نمایش دیدن کردند و به قدری رزمندگان اسلام را تحت تاثیر قرار داد که از هیچ خیر مادی و معنوی دریغ نداشتند به همین دلیل یک بار از طریق سپاه پاسداران و یک بار هم به دعوت نخست وزیری وقت از طرف اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به جبهه ها اعزام شدیم به یاد عزیزانی که مرا در این نمایش سیاه بازی یار بودند. آقایان علیرضا درویش نژاد، سیروس نقی نژاد، حسن رستمانی، داوود سعیدی، علیرضا پورمحمد، ایرج قوشچی، ابوالقاسم جلالی، صفر روحی، کازرونی، عجم حسینی، صفرعلی شریعتی، رحیمی، زحمت کش، هادی بنی کریمی، محمد زیادلو، فرشید مصدق، مزان قوشچی، یحیی قاسمی نمایش های سیاه بازی و کمدی دیگر که هر یک در جشنواره های سنتی کشور مقامی را کسب نموده مثل شیطان و سیاه که از طریق صدا و سیمای مرکز گلستان در جشنواره شرکت نمود جان نثار نوشته پترن مفید که در اول انقلاب به روی صحنه رفت، مارامس کنید نوشته ناصر ایرانی، کافور در دارالخلافه، یازر یاسر و شهر کچل ها، اتللو نوشته و کارگردانی و بازیگری سیاه آن بعهده اینجانب بود و بزودی نمایش سیاه بازی شاهی دیگر نوشته و کارگردانی و بازی اینجانب به روی صحنه خواهد رفت. همچنین اینجانب برای اولین بار در ایران تئاتر آموزشی ترویجی کمدی را در ارتباط با ترویج کشاورزی، دامپروری و جنگلداری عهده دار برای کشاورزان و دامداران در تمام منطقه استان گلستان به روی صحنه بردم که مورد تایید استادان و مهندسین قرار گرفت و در هفته جهاد در جشنواره جهاد سازندگی در تهران مقابل ریاست محترم جمهور و چهار وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران نمایش در مورد دامداری و آموزش تلقیح و دو رگ گیری با تئاتر طنز در تئاتر شهر به روی صحنه بردم که مقام اول ایران و برنده چهار سکه طلا شدیم. در انتها با توجه به اینکه گرگان جز شهرهایی است که ارتباط سابقه تئاتری حرفی برای گفتن داشته باشند و همیشه هنرمندان این استان در کلیه جشنواره ها اظهار وجود می نمایند و با درایت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان آقای قلیشلی که بعنوان سمبل مدیران کل کشور در امور تئاتر انتخاب گردیدند هرچه بیشتر نسبت به رفع مشکلات تئاتر این شهر اقدام فرمایند.

تبانی سیاسی با آفتاب شاد

(نگاهی به کتاب آفتاب شاد از محمد رضا طاهرنسب نشر سوسا بهار ۹۷)

خسرو بنایی -شاید در هیچ گونه ای ادبی به اندازه شعر، نتوان کار کردی غیر عادی و همنشینی غیر معمول از کلماتی ساخت که ناسازترین جملات اش در یک آزادی بی مرز، منجر به واکنش و برانگیختگی عاطفی و فکری ما شوند . اشکال نادیده وغیر مترقبه را روبرویمان قرار دهد که همزمان با کمی درد بخندیم یا با کمی تمسخر تامل کنیم . از پرهیب ترین حوادث جهان سیاست تا کوچک ترین اضلاع تجربه شخصی مان. آنوقت جهان شخصی با شکل کاریکاتور گونه اش و با جدیت یک نقد سیاسی ، روبرویمان می ایستد ما را به فاصله گذاری بر واقعیت خشن فرا بخواند .غوطه خوردن در متنی چون آفتابه شاد نه تظاهر حرف های نامتعارف و ادغام مکان ها و همنشین کردن جغرافیای غیر همجوار که درواقع ساختن مازاد مضحکی از روایت های زندگی به ظاهر نامتحقق و شکل نگرفته ماست و همچنین یک نوع زندگی تصفیه نشده با رویاهای نه چندان محال که بازیگوشی های ش ما را به نوعی از شعر سیاسی می کشاند که وجه تغزلی آن نه فقط قطعیت های سیاست را از سکه می اندازد که با آن کودکانه بازی هم می کند. سیاست در چنین التقاتی ، هجوی ست که می تواند خوانده و درون فرم بیان، بازنده نشود.

کلم به چه ماند
وقتی با برش های درشت پیاز در آمیزد ؟
ترب چگونه است
آنگاه که یک حزب شکست می خورد ؟ در جالیز آیا کدام کارگر با هندوانه معاشرت دارد؟
گوجه های اتیوپی چرا از من می ترسند ؟
و آیا دختران لبنان زیر درخت سیب معاشقه داشتند
آنگاه که نهال کوچکی بود
به من که شبیه فنجان وارونه ای هستم
به من که چگونه خونه های معطر برنج را با داس های انقلابی
به من که گوجه های اتیوپی را دوست می دارم
از آن رو که مردمانم را
به من بگو چگونه است
برادران کوچکم به شهر یورش آورند ؟

اینبار میراث مقدس فرمالیسم ها در آشنایی زدایی از سطر به کلیت متن سرایت کرده اینکه چطور ترب ربطی به یک حزب سیاسی شکست خورده پیدا می کند اما این ها وجه خبری تنها کارکرد و در هم رفتن نشانه های حوزه های هم جوار در کنش زندگی نیست . یک تعمید و همنشینی ضد نماد نیز است. شعر آفتاب شاد محمد رضا طاهر نسب یاد آور آن جمله قصار اسپینوزاست که می گفت :نظم و ارتباط ایده ها ، همان نظم و ارتباط اشیاء هستند .نظمی شوخ طبعانه وناتوریال که زبان را از جایگاه سوژه متعالی به هر جانبی که می خواهد ، می کشاند . طنز در کردار شعری آفتابه شاد قوس و دامنه جهانی و شخصی دارد ، اما معاصر و ملموس و افشاگر است . صد سال را در ده سطر می گنجاند نه برای اینکه تاریخی را با زبان منقبض کرده یا با اطواری کودکانه ریشخند کرده باشد . یک شعر ضد اسطوره که جدیت و زمختی را با هر خبر به آلیاژی نرم بدل می کند .آگاهی و بازتاب او ازهر خبر فقط یک بهانه برای معیوب کردن آن خبر باهر نشانه برای ترکیبی نا متعارف است . اما ساخت نحوی زبان سالم است اما حالت شناسای شعر از ترکیبات نا متجانس و نامنتظر و غیر مترقبه می آید . در واقع ما بیشتر از آنکه از القای فضا و ادارکی از متن شعر سیاسی مواجه باشیم با حسی از سیاست طرفیم که می خواهد با استفاده از کلام ونشانه سیاسی ، ادراکی فانتزی از مناسبات فراهم کند . و این دقیقن در جغرافیایی اتفاق میافتد که همه چیزمان سیاسی قلمداد می شود . حتی ادارک مان از اشیاء و آدم ها و احساساتمان . درواقع ما در دفتر شعر آفتابه شاد با محتوای تازه ای از خبر طرف ایم که سعی می کند کمتر ادیبانه یا شاعرانه باشد . در اکثر شعر ها ما با نوعی شکل ارادی از ساخت سطرها مواجه ایم و هر سطر یک حرف را می زند و گوشه ای اززیست جهان ما را به صحنه می آورد . به گونه ای که ما در یک شعرکوتاه قرنی را مرور می کنیم.شکل های موزائیک وار اما مرتبط بر یک خاک آشنا . شعر های که نه با احساس ما که گاهی تداعی های معلوف ما را دستکاری می کند و وجه کاذب را برملا و رئالیته ی خودش را می نشاند . شعری که به شدت از فیزیک و عینیتی ملموس و قابل مشاهده ای برخوردار است و کمتر درتصاویر انتزاعی و محال و غیر قابل رویت می افتد. غالب شعر ها خواهان نوعی ارتباط با مخاطب است اما نه به شکل مستقیم . ادارک غالب کار ها بازیگوشانه و خود آگاه ست و دائمن در حال دست انداختن وتمسخراست. اما آنرا به گونه ای جدی و مصمم و قاطع انجام می دهد .نمی توان به صراحت گفت که مجموعه آفتابه شاد فانتزی سازی هایش از التهاب و جاذبه های ژورنالیستی و عامه پسند برخوردار است اما در کلیه مضمون پردازی هایش در این دفتر قریحه روشنفکرانه و فیگور دانایی کلی را به چالش می کشاند و تعمیدات زبانی اش از ذهن بازی باور کودکانه تا فیگوریک آدم بالغ و با خبر چیزدان در نوسان است .گاه با ادراکی ریاضی گاه با کردار فلسفی ،ترفندهای آیرونیک اش را با ذهن غیر متمرکز و وجدی و شعفی کودکانه به هم مرتبط می کند.محمد طاهری نسب می تواند با همین یک دفتر، برگی از شعر طنزسیاسی معاصر را از آن خود کند:

سالها ریاضت کشیدم تا خودم را به شکل یک مربع در آورم
روی پرچین باغی بنشینم و
بر اتمسفر و خلاء واقف شوم .
برای زندگی جنگیدم
توی دستم یک پرچم سرخ بود و
در گلویم صدای ساردین .
برای یک سرباز وطن فروش
چیزی با ارزش تر از یک تپانچه و
تمثال رهبر حزب وجود ندارد .
اما نه مگر مربع ها به زاویه اشراف دارند
گاهی که از نزدیک با خودم مواجه می شوم
انگار ساردین ها در من جنبش های سکولار دست زده اند .
انگار شروع کرده اند به خوردن مجاری تنفسی ام .

یادداشت

آخرین شیر بیشه ی سیاه خوانان

یاسر سجادی فر

بهمن ۹۱ زمانی که برنامه های استقبال از بهار شهرداری را تنظیم می کردم و بدنبال راهی بودم تا هنر زیبا و دلنشین « سیاه بازی» و ارایه نقش «حاجی فیروز » را بصورت رسمی احیا نمایم ؛ تمام مدت« شیر بیشه سیاه خوانی » در ذهنم حضور داشت. با کمک گرگاندوست عزیز « حسین ضمیری » شماره تلفن «عطاالله صفرپور » را بدست آوردم و موضوع را در میان گذاشتم . عذرخواهی کرد که بیماری سخت آزارش می داد ولی اصرار من بر درخواستم ، به ثمر نشست و قول همکاری داد. در قرار حضوری که خدمتش رسیدم طرحم را ارایه دادم اول تعجب کرد ، کمی خندید و گفت پسر جان اینکارها شدنی نیست . علت را جویا شدم ؛ با تعجب گفت آقا سیستم اداری ما با این بازی ها مشکل داره و مخالفت می کنه . قول دادم که مجوزهای لازم را بگیرم اگر ایشان هم قول بدهند و قبول زحمت کنند.

قول داد ، و هر روز پیگیری کرد تا این تجربه جدید را لمس کند ! آیا شدنی است ؟؟؟

مقدمات آماده شد ، مجوزها گرفته شد خیلی ساده تر از آنچه من و استاد تصور می کردیم. شهرداری در اوج شلوغی روزهای پایانی سال مملو از جمعیت بود و ناگاه استاد و همراهش با ساز و دهل و شمایل حاجی فیروز وارد ساختمان شدند و موجی از شور و شعف را بهمراه خود آوردند. استاد در تک تک اطاقهای اداره ، سالنها و راهروها تا دفتر شهردار تا آبدارخانه حضور پیدا کرد حاجی فیروز بود و با دایره زنگی و لباس سرخش شادی را به ارمغان آورد و البته که به هر یک از کارکنان یک گلدان گل سنبل هم هدیه داد . شهروندان مراجعه کننده به شهرداری که با شلوغی روزهای آخر سال در شهرداری دست و پنجه نرم میکردند لحظاتی فارغ از گرفتاریهای کاری خود همراه استاد به دست افشانی پرداختند و استاد رفت . بسیار خوشحال بود و از من تعهد گرفت که هر سال این تجربه را تکمیلتر کنند ؛ اما دریغ و صد دریغ و هزاران دریغ که سال بعد علیرغم موافقت شهردار با تغییر مدیریت و آغاز سالهای سیاه‌مردم گریزی در شهرداری این تجربه تکرار نشد . گرچه عطاالله صفرپور از آن تاریخ تجربه های دیگری هم بدست آورد ولی برای من برق چشمانش در ۲۷ اسفند ۹۱ همچون شعف یک پسربچه بازیگوش بود که تازه اسباب بازی عزیزش را بدست آورده است .

باور بفرمایید هنوز یک ذره فرق دوغ و دوشاب را میفهمیم...

نقدی بر نوشته آنژیلا عطایی بر کتاب نگین فرهود

مازیار عارفانی

هیچکس ما را مجبور به نقد نوشتن نکرده، کسی چاقوی روی گلوی کسی نگذاشته که باید یادداشت بنویسی، در ادبیات هیچ رسالتی برای آنکه فاقد حرف تازه است، وجود ندارد. اما چه سود که هر روز بر حجم مطالب بی در و پیکر و فاسد و یادداشتهای آبکی روی مجموعه های ریز و درشت شعر معاصر ایران افزوده میشود و صدا و سیما نیز در نمی آید از کسی...

پس فکر کنم در این اوضاع داغان، من به عنوان یک شاعر گاهی حق عصبیت و عصبانیت داشته باشم. ندارم؟! من وقتی می بینم در روزنامه ای تیتر خورده: (نقدی بر مجموعه شعر «از رنج اشیاء» سروده‌ی نگین فرهود) خوشحال می شوم، بعد با شوق و ذوق می روم به سراغش و انتظار دارم بحث و نگاهی جدید مطرح شود، زیرا نویسنده نام خود را ذیل لفظ پرطمطراق «نقد» (که نباید هر کس را یارای بهره جستن از آن باشد) پنهان کرده، پس اگر این انتظار من برآورده نشود و در عین حال نیز با یک مشت حرف پوشالی و بی سروته روبرو شوم، حق عصبیت و عصبانی شدن دارم. ندارم؟! یعنی واقعن نباید گمان کنم این توهین به شعر و شاعری است و بسیارند کسانی که می خواهند در این دوره‌ء عسرت، کلام دروغین را بر کاغذهای زرین حک کنند و متاسفانه کم هم مشتری ندارند؟!

در اینکه محمدامین مرئی و روزنامه گلشن مهر را دوست دارم و دنبال می کنم شکی نیست و در اینکه شعر نگین فرهود را دوست می دارم و او را شاعری جدی می دانم نیز... بحث نه بر روی برگزیننده این مطلب است و نه ناشر و نه روزنامه و نه شاعر، که همه‌ی اینها به خودی خود قابل احترام و ستایشند به پاس سالها تلاش و نتیجه ای که در آثارشان نمود دارد؛ فقط سوال من بعنوان یک مخاطب ناآگاه از نویسنده مطلب است که چطور در یک یادداشت بسیار بسیار بسیار کوتاه فست فودی، میشود از سه اندیشمند با سه نحله فکری متفاوت همچون مرلوپونتی، شوپنهاور و کی یر که گور، شاهد آورد و ماهیت یک کتاب مشخص را بررسی کرد؟! اجرای این قدرت خلاقه بر صفحه کاغذ، جسارتن اصلن در این وقت اندک مگر ممکن است؟! چطور همه اینها شد که در یک ظرف کنار هم جمع بشوند؟!

آخر چطور یادداشتی در سه پاراگراف، اول به فرمالیسم روس ارجاع می دهد، سپس به پدیدارشناسی نقب میزند و بعد به مرلوپونتی میرسد و ناگاه سر از شوپنهاور در می آورد و نهایتن مرثیه اش را با سوز و گداز و گلایه از کی یر که گور به پایان میبرد؟! جل الخالق... ماشالله... ما را چه فرض کرده اید؟!

بنظر میرسد ادبیات ما بیش از هر زمان دیگری از این مطالب پوک و پوچ رنج میبرد. اینروزها انگار هر کسی با تفال به یک کتاب فلسفه مدرن میتواند یادداشتی پر از نقل قولهای بی سروته بر هر مجموعه ای بنویسد. بساط شاعران هم که خاموش و دم فرو بسته است، اما شاید وقت آن رسیده که بر طبل رسوایی چنین مطالب هجوی کوبیده شود، تا هرکس را دیگر جرات و جسارت پراکنده گویی و اظهارفضل گزاف در این وادی نباشد...

بخش اول

عارف قزوینی حنجره آزادی خواهی

فریبا فیاضی – یک: «آخر این چه بدبختی است که دامنگیر من شده است. فرمانفرما با من بد، سلیمان‌میرزا هم بد، قوام‌السلطنه بد، تقی‌زاده هم بد، نصرت‌الدوله بد، ملک‌الشعرا هم بد، مرتجع و آزادیخواه هر دو با من دشمن... !»(۱)

دو: «خیال من قاتل مناست. والا ممکن نبود من به این زودی‌ها این‌طور از پا درآمده و از دست بروم... مرا خیال کشت. همان خیالاتش و مو ننگینی که نمی توانم به زبان بیاورم. همان خیالاتی که مانع است از اینکه یک هفته بتوانم با رفیقش فیقی وقت بگذرانم... همان خیالاتی که مرا گوشه نشین کرد...!»(۲)

سه: «مادر ایران، قرن‌ها مانند من پسری به وجود نخواهد آورد. زیرا طبیعت چهار پنج چیز تنها به من داده. خیلی به ندرت واقع می‌شود که یک نفر هم استاد موسیقی باشد هم خواننده بی‌نظیر، هم اول آهنگساز یعنی مبتکر در آهنگ، هم شعر ساز و هم گذشته از این‌ها به قدری علاقمند به وطنش باشد که جان خود را این‌طور در راه آن تمام کند...!»(۳)

چهار: «بار و حنفرتی که از گفتن و خواندن شعر پیدا کرده‌ام، حتی از خواندن کلیات شی خودی و ان خواجه و شاهنامه فردوسی هم که این‌ها برای هر ایرانی به منزله کتب آسمانی است، پرهیز می‌کنم...!»(۴)

پنج: «با آنکه در بستر بیماری افتاده، با وجود مزاج علیل، مردم ان ساده کوچه و خیابان را هم مشمول نفرت خود می‌سازد. همین مردمی که گناه جن و انس را در دور مزندگانی جغدآسای خود، به ریختن چند دانه اشک بار با پاک می‌کنند و در آخرین نفس هم منتظرند که یک مرتبه در بهشت به روی آنها باز شده و به مجرد دخول مشغول پریدن و چریدن گردند...!»(۵)

و آخر: بنا بر ارجاع به شعری از او خطاب به «ملک‌الشعرای بهار» با مطلع:

نه ملت مرا داند از خویشتن
نه بر من وطن گوید اولاد خویش

گویی در واپسین روزهای عمر آنچنان عرصه بر او سخت گرفته بود یا چنان عرصه را بر او سخت گرفته بودند، که حتی از معشوق خود «وطن» نیز بیزاری می‌جست و در این دوره از زندگی از همه‌جا مایوس و به همه‌چیز بدبین بود و به قول خود « از بس که از مردم بد دیده بود، دیگر از مردمک دیده سوءظن داشت.»(۶)

و موارد و قول و مقال‌هایی از این دست، از زبان و ضمیر شاعر یا نقل قول دیگران از او و راجع‌به او و احوالات واپسین روزهای تلخ عمرش، پرسش یا پرسشهایی را پیش رو قرار می‌دهد، همچون: دوره مشروطیت و ادبیات مشروطه چگونه و به چه دلایلی از تاریخ این مرز و بوم سر برآورد؟ و چه عوامل و عناصری در پیشرفت و پر رنگ شدن آن تاثیر گذار بود؟ و پیامدهای خواسته یا ناخواسته آن چه بود؟ و مبارزه برای رسیدن به آزادی و ترقی در آن برهه حساس، از چه رنگ و بو و دارای چه کمیت و کیفیتی بود؟ و درنهایت این متن کنکاشی است مختصر در شعر «عارف قزوینی» -شاعر تاثیرگذار و تلخ‌فرجام مشروطه - که به‌طور اخص و شعر مشروطه را به‌طور کلی موضوع بررسی و تامل خود قرار خواهد داد.

مروری اجمالی بر تاریخ مشروطه

از بعد تاریخی: جنبش بیداری و تجدد که شاخص فلسفی دوره‌ای است که به دوره مشروطه ختم شد، در چشم‌اندازی کوتاه با نمودهای ذیل مشخص می‌شود:شاخص فلسفی این بیداری، که از اواسط دوران قاجاریه و در پی شکست‌های ایران از روسیه تزاری آغاز شد و دوای درد خود را در نوگرایی جامعه کهنه و بیداری خفتگان اعصار می‌دانست، حاکمیت ملت بود.در این دوره برخلاف عرف، رسم، باور و اعتقاد فرمانروایان تمام اعصار گذشته این سرزمین که در اذهان و ارکان زندگی مردم و حکومت رخنه کرده بود، (که همه فرمانروایان خود را نه وکیل قوم، که نماینده آسمان می‌دانستند) باعث شد برای اولین‌بار این باور و اعتقاد راسخ که قوای مملکتی ناشی از ملت است، که این خود نوعی رجعت به جهان‌بینی حکومت ملی بود، در ایران و برای ایرانیان ثبت شود. بعلاوه برای نخستین بار رعیت به شکل ملت استحاله یافت و این ملت خود را در منشوری قانونی به‌عنوان منشا قدرت و از بازوان محرک آن دید.[گرچه این کشف و استحاله از اواخر قرن هجده میلادی به بعد در جامعه غربی رو به تکوین، اصلاح و نهادینه شدن بود.]رویکردها و رخدادهای سیاسی و اجتماعی این دوره به اندازه کافی در منابع دیگر موجود است اما انقلاب مشروطیت ایران فرهنگ و ادبیات ویژه خود را آفرید، از آن جمله شاعرانش را.(۷)

نگاهی مختصر به ویژگی‌های شعر مشروطه

شعر مشروطه ابتدا از حیث محتوا متحول شد و به تدریج در صورت و شکل و زبان آن تحولاتی رخداد. مقایسه بین شعر ادیب و شعر بهار به خوبی این تحول تدریجی را نشان می‌دهد. نوآوری‌های بهار در حوزه شکل و صورت (فرم) («شکل را به معنی سنتی قوالب شعری بگیرید و فرم را به معنی عام آن که شامل همه تناسب‌ها، هم‌آهنگی‌ها و ارتباط‌های پنهان یا جزایی ک کل نسبتی هی ک دیگر باشد»(۸))اگرچه به‌تدریج صورت گرفته است، در مقایسه با شعر ادیب نشان‌دهنده یک تحول اساسی است. این تحول در شعرایرج، اشرف، عارف، عشقی، فرخی و لاهوتی تکامل می‌یابد.شعرخاص مشروطه حاصل همین تحول‌وتکامل است.نکته دیگر، نزدیکی سبک شعر این دوره به سبک روزنامه، است به طوری که در بسیاری موارد شعر یا بهتر بگوییم سخن منظوم، به گزارشی بدل می‌شود، گزارش ساده‌ای از واقعیت. در حوزه فرهنگ و زبان عامه از فرهنگ و زبان اروپایی ترکیبات، اصطلاحات و واژگان بسیاری به شعر این دوره راه می‌یابد.عدم تجانس و هم آهنگی در فضای شعر، در استفاده از قالب‌های سنتی برای به بیان در آوردن مسائل سیاسی روز، یکی دیگر از ویژگی‌های شعر این دوره است که از آن با تعبیر«تعارض زبان با واقعیت»می‌توان یاد کرد.دیگر این که در قالب‌های شعر کم و بیش تحولاتی ایجاد می‌شود. از جمله: به رعایت قوافی، اسلوب سخن و نکات فنی که از اصول و لیه و ضروری در شعر سنتی بود، بی توجهی می‌شود. مسمط و مستزاد در کنارقالب‌های اصلی یعنی قصیده، غزل و مثنوی رواج بیشتری می‌یابد. ضعف تالیف، غلط دستوری، نارسایی در بیان و تعقیدات لفظی د شعر بعضی از شاعران دیده می‌شود.این خصوصیات در مجموع خصوصیات سبک تازه‌ای را نشان می‌دهد به نام سبک مشروطه که با سبک «دوره بازگشت» تفاوت‌های آشکاری دارد. از نظر محتوا هم شعر مشروطه به کلی ساز تازه‌ای را نواخت: سمت‌گیری ضد استبدادی و ضد استعماری و درونمایه‌های آن، عمده‌ترین ویژگی شعر این دوره در قلمرو محتواست.(۹)

ابوالقاسم عارف قزوینی

تصنیف‌ساز، موسیقیدان و شاعر مبارز و انقلابی در حدود سال ۱۲۵۹ در قزوین متولد شد و در سال ۱۳۱۲ در همدان چشم از دنیا فروبست.(۱۰)

رویدادها و احوال عارف از کودکی تا مرگ و بعلاوه شعر و کار ادبی مربوط به او را اگر مرور مختصری کنیم، خود نیاز به نگارش کتابی اضافه بر مکتوباتی است که تا به‌حال از او و راجع‌به او منتشر شده و مورد بررسی و تحلیل‌های متعدد قرار گرفته است. پس تنها به بررسی اجمالی اشعار و بخصوص تصنیف‌های سروده شده توسط او، نقش و کاردکردشان بر مبارزه‌ی دوران مشروطه، تاثیر آگاهی‌بخش آن بر توده مردم و یافتن تفاوت و رویکرد آنها در ادبیات و مبارزه سیاسی در قیاس با تواناترین شاعران موجود و معاصر این دوره، می‌پردازیم. شعر عارف همچون جنینی در حال تولد پابه‌پای رویدادها و...

ادامه دارد